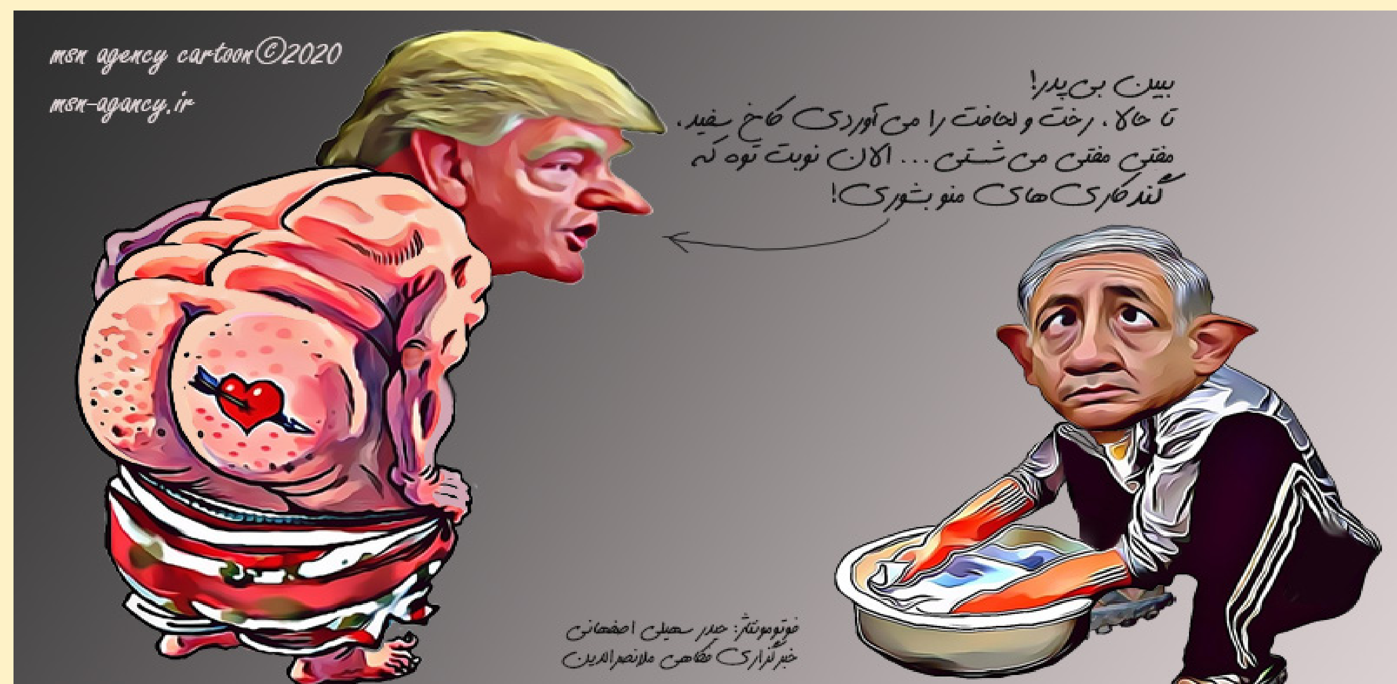
مجلهٔ فکاهی

مُلانصرالدین



۲۴

سال دوم، شماره دوازدهم



مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.

سر و ته مقاله

هر جا با این چرخ قراضه‌ام می‌رم، می‌بینم نوشته: "خواهش می‌کنم ماسک بزنید!" یه جا دیگه نوشته بود: "کادر درمانمان خسته شده‌اند، لطفا رعایت کنید!" جای دیگه خوندم: "عزیزان! برای مقابله با کرونا، به یاری شما نیاز داریم، لطفا ماسک بزنید!"



ده آخه مشکلمون همینه! اصلا این آدمه که با خواهش و تمنا باهاش حرف می‌زنی؟ از وقتی چشاش به این دنیا باز شده، با چک و لقد و تیپایی و فوش و لیچار باهاش حرف زدن. می‌فهمه «خواهش می‌کنم» یعنی چی!؟

من پیرمرد شونصد ساله، با اون دماغ گُنده‌ام، ماکسم را کشیدم رو دماغم، نیم متر زده جلو، نفس نمی‌تونم بکشم، بعد به این‌ها می‌گم: واسه چی ماکس نمی‌زنی؟ می‌گن: "هرهر! اون ماسکه، نه ماکس!"

اصلا درد و بلا! اصلا کوفت! به من درس فارسی می‌دی، پدر نیامرزیده، بعد خودت راس گاو نمی‌فهمی!؟ هر چی آدم حسابیه که دو کلوم حرفش، کلی ارزش داره، دهنش را با ماکس بسته، بعد تو که می‌باس پنبه بچپونم تو حلقت تا خفه بشی، واسه من، دهنت رو دو متر واز کردی و بدون ماکس راه می‌ری!؟ ده ببند اون وامونده رو!

اصلا می‌دونی چی چیه؟ راهش همینه! یک عده پلیس واستن سر چارراه... هر کی رد شد و ماکس نداشت، یه مشت پنبه بچپونن تو حلقش! مرد که مرد! به جهندم که مرد! آخه بود و نبود این ننه مرده چقذه فرق داره!؟

می‌میره!؟ به جهندم که می‌میره! به اسفل السافلین که می‌میره!

ده ولم کن سر دبیر! بذار دو تا نکشیده نتراشیده تحویلشون بدم! ده ول کن قلممو... اصلا گه خوردی گفتی سر مقاله بنویس! هر چی می‌کشم از دست خودتته و اون ...

امضا از طرف: احمد آقای این دفعه دیگه خیلی قاطی پاتی



اخبار داخله

ایران بهتر از آلمان

در پی اعلام ریاست محترم جمهوری دربارهٔ بهتر شدن اقتصاد ایران از آلمان، نرخ مبتلایان به کرونا در آلمان افزایش یافت.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، کارشناسان آلمانی، علت اصلی این امر را سرخوردگی ملت آلمان از بابت اعلام این خبر می‌دانند. به طوری که خشتک (ببخشید) هشتک "#کرونا بیا منو بخور!" در آلمان تشکیل شده است و دخترهای زیباروی آلمانی (دختر نه! بگو هلو! بعدا بهت می‌گم...) برای کرونا نامه‌های عاشقانه می‌فرستند.

تاثیر این سخنان در ایران هم بی‌سابقه بوده است. ایرانی‌ها، احساس می‌کنند وضعشان خوب است و حاضر نیستند کارگر از افغانستان قبول کنند و اصرار دارند که کارگر باید از آلمان وارد کنیم.

آره والله به خدا! مگه ما چی مون از ایرانی‌ها(!!!!) کمتره!



خبرنگار ما در جهان ویروس‌ها، خبر از وحشت فراگیر از سخنان جناب روحانی رئیس جمهوری محترم در میان ویروس‌ها می‌دهد. خصوصا سرکردهٔ باند ویروس‌های کرونا، وابسته به استکبار جهانی، به ویروس‌ها هشدار داده است که به بیت جناب روحانی نزدیک نشوند، چون ممکن است لاف‌های سنگین، در اصل نشانه‌ای برای واکسن جدید ضد کرونای ایران باشد که اخیرا اعلام شد در مراحل پایانی امتحانات خود قرار دارد. به طوری که نخست با نتایج درخشان روی مردم ایران آزمایش شد و بعد روی حیوان‌ها آزمایش کردند و حالا احتمالا قصد دارند روی خود ویروس‌ها امتحان کنند.

درخشش پروژه واگذاری اجرای کنکور به مافیای کنکور

در پی درخشش طرح واگذاری اجرای کنکور به مافیای کنکور، «طرح کنکور واژگونه» کلید خورد.

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به نقل از آبدارچی اتاق یکی از مسیولان مهم که اصرار کرد "ترا خدا اسمم را منعکس نکنید" (نکبت!) یادآور شد که در طرح سپردن اجرای کنکور به دست مافیای کنکور، ضمن حذف مطالب کتاب‌های درسی، پرسش‌های امتحانی اغلب از کتاب‌های کمک آموزشی "خاص" استخراج شد. (خوش به حال اونایی که داشتن!) اما در طرح کنکور واژگونه مقرر شد که دانش‌آموزان برای امتحان کنکور، به مطالعهٔ کتاب‌های دوران لیسانس بپردازند و در امتحان کنکور، به پرسش‌هایی



پاسخ دهند که در آن کتاب‌ها مطرح شده است.

آبدراچی مسیول مربوطه (نامرد برای یه چایی دیشلمهٔ آب زیپو ازم بیست هزار تومن گرفت!) در پاسخ به پرسش خبرنگار ما به این مضمون که "زکی! پس تو دانشگاه چی بخونن؟" گفت: "ببین فرقش اینه که وقتی به امید مافیای کنکور، رفتی دانشگاه، فقط می‌باس کتاب‌های همون رشته که قبول شدی بخونی، اما برای شرکت در کنکور، می‌باس کتاب‌های کمک

آموزشی کل رشته‌های دانشگاهی را بخونی! می‌دونی می‌شه چند چوق!؟

خبرنگار ما، پس از بازگشت، رفته در دستشویی نشسته بیرون نمی‌آد! ظاهرا چای دیشلمهٔ یارو، حاوی مقادیری وایتکس شسته نشده بود که آبدرچی‌های عزیز، طبق معمول یادشان می‌رود تمیز بشورند.

روغن نایاب شد! ارزِ عرض، در سامانهٔ نیمایی شدت گرفت!

این یارو همتی (ببخشین) جناب آقای عبدالناصر همتی، رئیس کل محترم بانک مرکزی اعلام کرد: بستهٔ عرضی جدیدی در راه است. علاقمندان لطفا خودشان را آماده کنند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، کارشناسان معتقدند: تاکید عبدالناصر همتی، بر ارزهٔ عرض در سامانهٔ نیمایی، سبب گرانی و نایابی سرسام آور انواع روغن، از وازلین گرفته تا روغن‌های خوراکی شده است.

به گفتهٔ کارشناسان، اگر از شدت ارزهٔ عرض‌های نیمایی کاسته نشود، روغن هم افاقه نخواهد کرد و مردم را باید گریسکاری کرد.

عملکرد مسیولان! کرونا روی مغز تاثیر می‌گذارد!

عملکرد اقتصادی مسیولان در چند ماههٔ اخیر، کمک بزرگی به کشفیات علمی دانشمندان ایرانی کرده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، سیاست‌های اقتصادی در حوزهٔ بازار ارز و ارزاق عمومی و نیز حوزهٔ مسکن، نه تنها به دانشمندان، بلکه بسیاری از مردم عادی هم ثابت کرده است که کرونا، روی کارایی مغز تاثیر مستقیم می‌گذارد.

خبرنگار اعزامی ما به وسط بدبختی‌های مردم، در این باره با چند نفر از بدبخت بی‌چاره‌ها، گفتگو کرده است. او از موتورسواری در این باره پرسید: فکر می‌کنی کرونا بر عملکر مغز مسیولان تاثیر می‌گذارد؟ او پاسخ داد: "مگه مسئولان مغز هم دارند؟"

خبرنگار ما خاطرنشان کرد: "نگو مسئول، بگو مسیول! دنبال دردسر می‌گردی؟" یارو پاسخ داد: "خیلی خب! همون مسیول...اصلا مغز هم دارن؟" خبرنگار ما پاسخ داد: خب نه!" موتور سوار گاز داد: "پس دیگه چرا می‌پرسی؟"



خبرنگار ما، باز هم میکروفن به دست دنبال کسی می‌گشت که اصلا رغبت کند با ما مصاحبه کند، تا این که سرانجام، پیرزنی را تور کرد و پرسید: "ننه جون! به نظر شما، کرونا، روی عملکرد مغز مسیولان تاثیر می‌ذاره یا نه؟"

پیرزن پاسخ داد: "نه، ننه! من فکر می‌کنم بیشتر اون دواهایی را که از خارج می‌آرن تا مسیول‌های مبتلاش ده بخورن تا یهوکی خدای نکرده نمیرن، اون‌ها داره روی مغزاشون تاثیر می‌ذاره..."

خبرنگار ما پرسید:" از کجا فهمیدی ننه جون!؟"

پیرزن جواب داد: "مگه ندیدی، همین ترامپ، وقتی کرونا گرفت، خل بود، سوپر خل شد!؟"



واقعا! چطور به فکر خودمون نرسیده بود؟ آقا وارد نکنید! آقا این جنس‌ها را وارد نکنید! شاید کرونا را معالجه کنه، اما یه مشت سوپر خل تحویلمون می‌ده. وضعمون از اینی که هست، خیلی بدتر می شه !



هر ماه با:

دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می فهمد.

– سلام جناب دکترا! مهمترین تحول ماه، به نظرتان چه بود...

• این از اون سئوال‌ها بود! هر آدمی می‌دونه که انتخابات آمریکا، مهمترین خبر بود.

– پس جنگ قره‌باغ چی؟

• پرسیدی مهمترین خبر یا مهمترین مسخره‌بازی..!؟

– مهمترین خبر..!

• اگه تو جنگ قره‌باغ را خبر می‌دونی، از نظر من، مسخره‌بازیه..!

– استاد، جون پدرت ما را درگیر پان تورک‌ها نکن...

• این‌ها به اندازهٔ کافی حالا درگیر مسخره‌بازی‌هاشون هستند. حالا بلاخره دربارهٔ انتخابات آمریکا حرف بزنم یا جنگ قره‌باغ!؟

– همون انتخابات آمریکا بهتره..!

• خب! معلومه چی شده... ترامپ باخت و بایدن برد و ان شالله المنه، چند مدت دیگه، بایدن می‌شه رئیس جمهوری...

– اما جناب دکترا! ترامپ شلوغش کرده و می‌گه که تقلب کردن...

• خب کرده باشن! دفعهٔ قبل هم خودش تقلب کرد و شد رئیس جمهوری... کدوم بی‌نسبت آدمی ممکنه به این شکمبه رای بده... حالا این به اون در...

– پس شما هم عقیده دارین که تقلب شده...

• رو چه حساب تقلب شده؟ چهار تا گداگشنه بهش رای دادن که حالا کار داریم و پولامون زیاد می‌شه. این روش قدیمه... در همین ایران هم مموتی با همین وعده آمد و بعد دیدین که چقدر مردم ایران ثروتمند شدن!

– آهان از اون لحاظ... پس چه کسانی به بایدن رای دادن؟

• بقیهٔ ملت آمریکا... اون‌هایی که سر از حساب کتاب در می‌آوردن و می‌دونستن که این بازی دیگه قدیمی شده...

– کدوم بازی!؟

• کدوم بازی؟ همون بازی چهل سالهٔ خودمون دیگه... به بهونهٔ پر کردن «شیکم در حال اتساع بی‌وقفهٔ رفقا» دم از حمایت محرومان زدن! بعدش هم محرومان، روز به روز در آن شیکم فراخ هضم می‌شن و...

– جناب دکتر، خواهش می‌کنم! لطفا رعایت کنین!

• رعایت حال شیکم رفقا، یا حال و احوال شما..!

– می‌شه گفت هر دو..!

• به این می‌گن یک نتیجه‌گیری سیاسی خالص! چون برای آرامش خیال، شیکم رفقا باید پر و پیمون باشه. اون وخت زیاد کاری به کار آدم ندارن.

– خب استاد! گور پدر انتخابات آمریکا..! با اومدن بایدن، وضع ما خوب می‌شه؟

• باید دید که شیکم رفقای آمریکایی پر و پیمون می‌مونه یانه!

– یعنی چی!؟



• یعنی پروندهٔ ایران، نون دونی خوبی بود، برای یه عده در آمریکا و یه عده در ایران..! بایدن که اومد، حالا عده‌ای اون جا نگران شدن که عرض و طول شیکمشون چی می‌شه...

– و این وری‌ها!؟

• این وری‌ها، هم خدا را می‌خوان و هم خرما رو..! می‌خوان ببینن، اگه داش بایدن بیاد، می‌شه همون لفت و لیس دوران طلایی گذشته رو راه بندازن، یا می‌باس کارهای دیگه بکنن.

– منظور فعالیت هسته‌ایه دیگه..!

• اینقده بدم می‌آد زر می‌زنی!؟ هسته‌ای چند کیلوه دیگه؟

– زکی استاد، یعنی شما دارین بی‌خیال عرض و طول کل پروندهٔ هسته‌ای می‌شین ! ؟

• خو البته که می‌شم.. آدم ساده‌لوح! یارو نتانیاهو حاضره خودش به ما بمب اتمی بده تا ما بدبخت بشیم. دعوا سر درهم و دیناره! کجای کاری؟

– ای بابا! دیگه هیچی دیگه..!

• بعله! همون هیچی دیگه! ببینم سر پروندهٔ هسته‌ای تا چه کجا توافق شد؟

– توافق کامل..!

• سر FATF چطور..!؟

– محکم ایستادن و نگذاشتن که تصویب بشه...

• خب حالا کدوم یکی مهمه!؟

– یعنی بدبخت شدیم استاد!

• هههههه نترس! دیگه خبری از پول و لفت و لیس مجانی نیست. تحریمیم! پس باید به هر صورت، به توافق برسن. با بایدن توافق نکنن، بعد از چهار سال تحریم و بدبختی، حالا یکی مثل ترامپ دوباره پیروز بشه...

– از اون طرف چی!؟

• اون طرف رو من بهشون می‌گم دلواپس‌های آمریکایی...

– همچین..!

• خب! اون‌ها وضع زیاد جالبی ندارن. چهره‌های پشت پرده رو که من و شما نمی‌شناسیم. می‌مونن یه مشت گشنه گدا، مثل پمپئو و نتانیاهو و بریان هوک و ... تیم آمریکایی هم داره تلاش می‌کنه که این دم آخر، به ماموریت آخرشون عمل کنن تا بعد از شروع دولت جدید، بهشون جایی کار بدن و از گشنگی نمیرن، وگرنه، بالاسری‌ها سیفون رو می‌کشن و خلاص..!

– ممنون جناب دکتر... مصاحبهٔ ما هم خلاص! تا ماه دیگه، از شما و خوانندگان گرامی خداحافظی می‌کنم. خدا به خیر کنه!







خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

msn agency cartoon©2020
msn-agancy.ir
Haidar Sohaili Esfahani

گپ و گفت

- شنیدی مشاور عالی وزیر بهداشت چی گفته؟

• نه چی چی گفته!؟

- گفته که سیاست‌گذاری کاهش جمعیت در دهۀ شصت، از خود کرونا، واسه مملکت تلخ‌تر بوده!؟

• نه بابا! حالا کی گفته، مزۀ کرونا تلخه!؟

- تو می‌گی شیرینه!؟

• حالا ما کاری به مزۀ کرونا نداریم، اما رو چه حساب، سیاستِ کاهش جمعیت را تلخ حساب کرده؟

- فک کنم، واسه اینه که می‌گن بچه شیرینه و اینا... خب!

• ها، از اون لحاظ!

- ولی خب! حساب کتاب هم کرده و گفته خیلی ضرر می‌کنیم.

• چطوری!؟

- هیچی گفته، خود پدر و مادر که دو تا هستند، با این نرخ فعلی باروری، در نهایت ۱/۸ تولید می‌کنن...



• خب این‌های که گفتی یعنی چی آخه! از کجای دومیه کم گذاشته!؟

- از هیچ جاش کم نذاشته، کلهم اجمعین را که جمع و تفریق و تقسیم کرده، شده این!

• خب ایشون که حساب کتابش اینقده خوبه، فقط در حد جمع وتفریق و ضرب و تقسیم خوبه، یا معادله چند مجهولی هم بلده!؟

- چطور!؟

• یعنی بلده، به من کارمند بگه، حقوقی که به زور برای زندگی دو تا به اضافۀ یکی و نصفی بچه، به زور کفاف می‌ده، اگه سه تا دیگه هم پس بندازیم، می‌شه معادله شیش مجهولی، اون نصفی را هم بی‌خیال!

- چه جوی معادله شیش مجهولی می‌شه!؟

• ها! سه بسته پوشک را حساب کن که سر هر ماه می‌شه دو برابر... به اضافۀ سه قوطی شیر خشک اگه گیر بیاد و سر هر ماه، چهار برابر نشه، به اضافۀ غذا و لباس و دوا و هزار درد بی‌درمون! به اضافۀ شیوۀ مملکت داری حضرات که ما را با دلار سرشاخ کرده... سر هر شیش ماه، دلار یه کله معلق کامل می‌زنه. با حقوق چندرغازی که قبل از این سه بچۀ فرموده، به زور شکم من و زن و یکی و نصفی بچه را سیر می‌کرد.

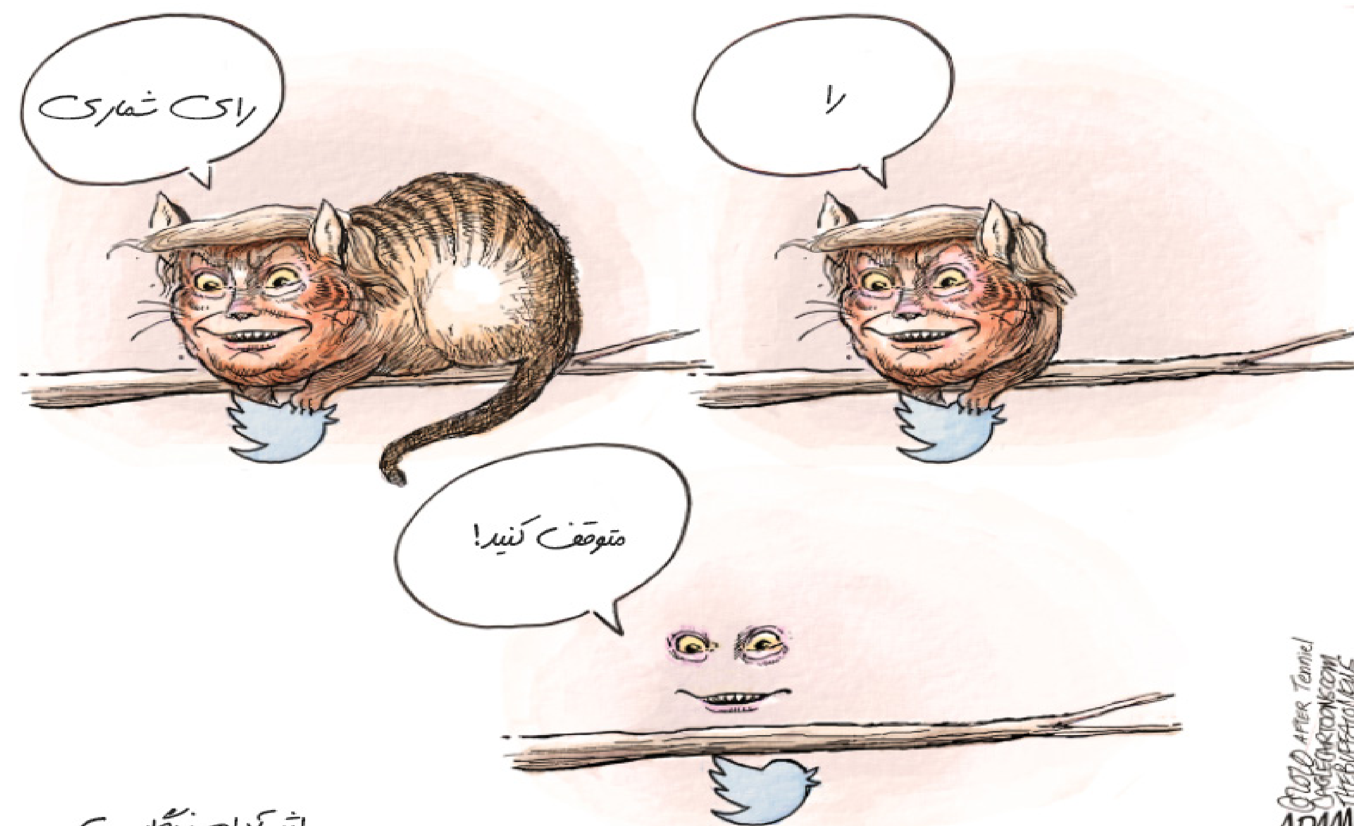
-این که بیشتر از شیش مجهولی شد...

• خب پس نتیجه می‌گیریم کسی که سر جمع سوادش در ریاضیات، در نهایت جمع و تفریقه، باید ساکت بشه و بذاره ما به معادله‌های شیش مجهولی عجیب و غریبمون برسیم. هر وقت اقتصاد درست شد، فکر و شکم و بدن و آینده‌مون سامون گرفت. یه سقف درست و حسابی هم بالای سرمون قرار گرفت، اون وقت حضرات، برای ناف به پایینمون نسخه بپیچن!

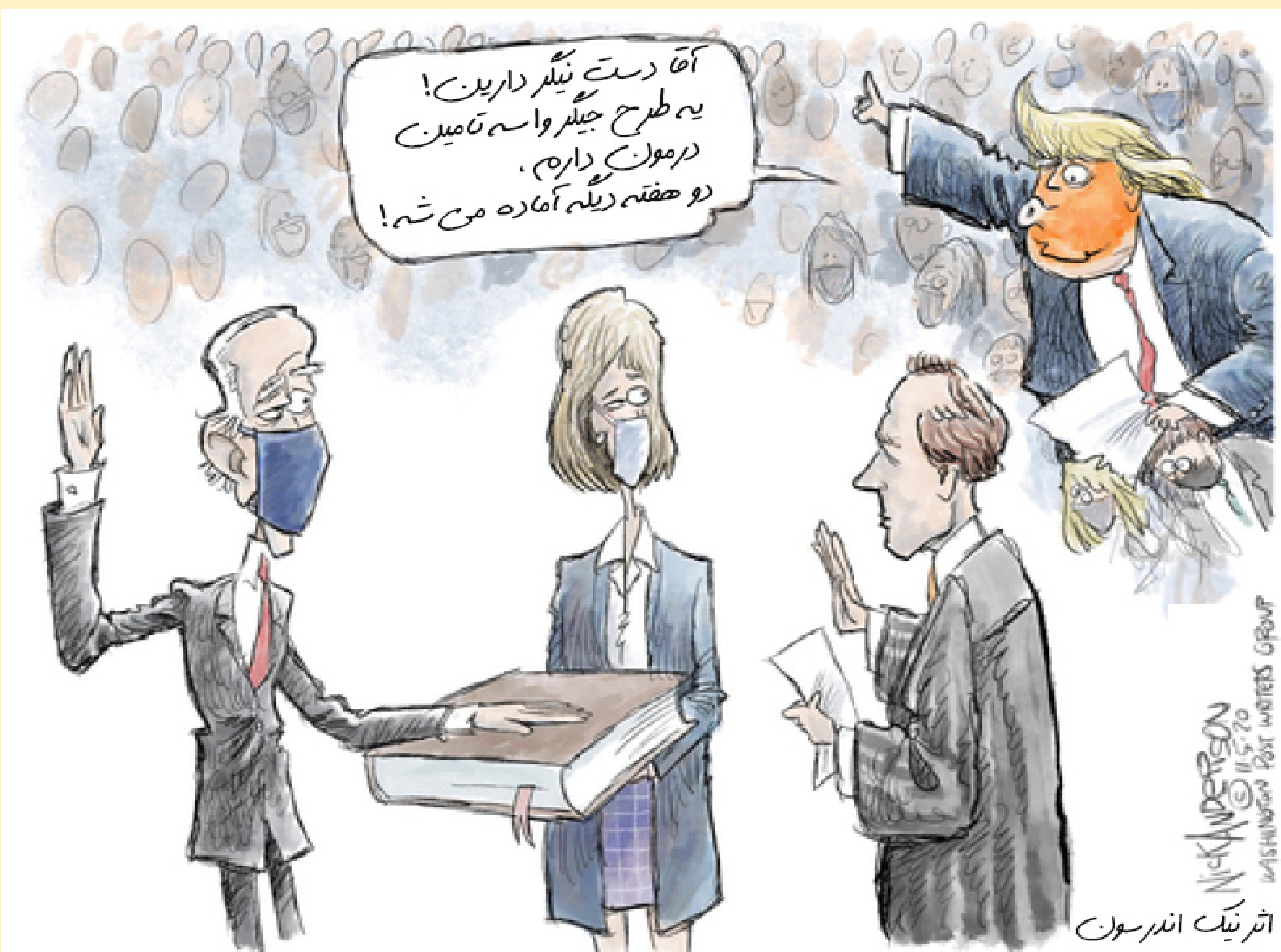
- فعلا که در این چند دهه، هر چی نسخه بوده، برای ناف به پایین بوده...



اثر دیوید فیتز مونز



اثر آدام زیگلیس



اثر نیک اندرسون



اثر داو واموند

نامه‌های جنجالی

درگذشته سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.

در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر دونالد ترامپ بخواهد برای ملت آمریکا بنویسد، چه خواهد نوشت؟

ای ملت آمریکا، با کمال تاسف و تاثر، شما هر چی تلاش کردین تا منو در مقام ریاست جمهوری نیگر دارین، نشد که نشد؟

چرا!؟ واسه خاطر تقلب! واسه این که چش نداشتن ببینن ملت آمریکا، یه رئیس جمهوری خوب، یه رئیس جمهوری با حال، مثل من داشته باشن...

شما ملت تلاش خودتون را کردین و من اصن از شما گله ندارم. خصوصا اون کهنه سربازهایی که اسلحه به دست گرفتن و خواستن با از بین بردن آدم‌های بد، دوباره منو برگردونن. اما یه عده مهاجر که اصن آمریکایی اصیل نبودن، با رای دادن به جو بایدن، این پیرمرد مردنی، کاری کردن که آمریکا داره نابود می‌شه. اون‌ها چی می‌فهمن!؟ یه مشت مهاجر که واسه یه لقمه نون اومدن این جا و آمریکا را خراب کردن. اصالتش را از بین بردن.

یه مشت کاکاسیاه که واسه ما در مزارع پنبه و کوفت و زهر مار، مثل خر کار می‌کردن. اجداد نژاد اصیل آمریکایی، این‌ها را از آفریقا خریدن و آوردن تا این جا بچرن! ما هنوز هم سند مالکیت بیشترشون رو داریم.

یا یه مشت سرخ پوست که به شکل غیر قانونی، قبل از این که ما، صاحبان اصلی آمریکا، بیایم و کشور را تحویل بگیریم، این جا زندگی می‌کردن. تا ما برسیم، جمعیتشون شده بود ۱۵ میلیون نفر! می‌فهمین؟ پونزده میلیون نفر، بدون داشتن مجوز، بدون داشتن گرین کارت، در آمریکا زندگی می‌کردن. خب اجداد ما حسابشون رو رسیدن. بیشترشون رو کشتن، اما باز هم یه عده دلسوزی کردن و گفتن حالا بذارین چند هزارتایی زنده بمون و زندگی کنن. نتیجه چی شد؟ حالا این بایدن، پیرمرد مردنی که پسرش از اوکراین پول گرفته، می‌باس رئیس جمهور بشه!

درها را واز کردن تا یه مشت مهاجر بیان آمریکا! خب ما هم گفتیم اشکال نداره. ما کارگر می‌خوایم. قرار بودفقط این جا کار کنن و پول بگیرن تا مثل کشورهای خودشون از گشنگی نمیرن. دیگه واسه چی بهشون حق رای می‌دین؟ این کار دموکرات‌ها بود. چون ما زیاد بودیم. ما صاحبان آمریکا! ما ساکنان اصلی... واسه خاطر همین، بهشون شناسنامه دادن تا بهشون رای بدن.

اما باز هم من مطمئنم که در این انتخابات تقلب شده... اون هم تقلب خیلی بد!

می‌خواین بدونین از کجا اینقده مطمئنم، ها!؟ یعنی جمعیت یه مشت کاکا سیاه، یه مشت مهاجر گشنه گدا، یه مشت سرخ‌پوست غاصب، اینقده زیاد شده که از جمعیت ما صاحبان آمریکا بیشتر شده!؟ ای زکی!



حالا می‌دونین چی می‌شه؟ شما منو از دست می‌دین و همون برده‌های قدیمی میان و سر شما ریاست می‌کنن. بدون تعارف، خاک بر سر می‌شین! مفت و مجانی!

همین کشورهای اروپایی، همین آلمان، انگلیس، ایتالیا، همین یونان کوفتی، یا سوئد که این همه لاف برابری نژاد می‌زنه، چند تا مقام غیر سفیدپوست دارن؟ تا حالا یک سیاه پوست در ژاپن یا روسیه یا همین چین که چقده ازش بدم میاد... شده تا حالا یه سیاه‌پوست، بشه وزیر و وکیلشون... شده!؟

همین ایران! همین جونم مرگ شده که می‌خوام با دندونام تیکه پاره‌اش کنم، تا حالا چند مقامش سیاه‌پوست بودن یا سرخ‌پوست یا مهاجر؟ اصلا می‌ذارن اقلیت دینیشون، به پست و مقامی برسه؟ اقلیت بخوره تو سرشون! می‌ذارن یه کسی غیر هم پالکی خودش به جایی برسه؟ بعد همهٔ دنیا جمع شدن که من آمریکایی سفید پوست که سرخ‌پوست‌ها را در املاک پدری خودم تحمل نکرم، باراک حسین اوباما، یک سیاه‌پوست مسلمون تبار را رئیس‌جمهوری کنم. پدرسگ وانمود می‌کنه که مسلمون نیست. اگه مسلمون نبود، خو اسم باباش، چرا حسینه!؟

حالا هم این کمونیست طرفدار چین که برامون کرونا فرستاده، شده رئیس‌جمهوری! کل گناه ما چیه؟ اینه که جنگ داخلی را باختیم!

هنوز هم دیر نشده! مهم نیست که آمارها چی می‌گن یا مثلا اون‌هایی که رای‌ها را شمردن چه غلطی می‌کنن! من به شما می‌گم، میلیون میلیون رای الکی را گونی گونی ریختن وسط شمارش کننده‌های رای و بعد ده بشمار..!

از کجا می‌دونم؟ چون خودم براشون چاپ کردم. دیدم پولش خوبه... گرفتم و براشون چاپ کردم! یعنی سند مطابق اصل..! اگه نگرفته بودم... اگه این پول‌های خوب را نگرفته بودم، آیا حالا شما منو رئیس‌جمهوری خودتون می‌دونستین؟ یه آمریکایی اصیل هیچ وقت از پول مفت فرار نمی‌کنه... جد و آباد من از محل فاحشه‌خونه کلی پول درآوردن. حالا شما این رو بد می‌دونین؟ معلومه که نه! چون خون شما قرمزه، نه آبی!

شما اصیلین نه مهاجر یا غاصب زمین، مثل سرخ‌پوست‌ها که زمین‌های اجدادی ما را صدها سال پیش از اون که ما به آمریکا پا بذاریم، از ما غصب کرده بودن؛ یا مثل این کاکا سیاه‌ها که خودشون را به اسارات ما در می‌آوردن تا ما اون‌ها را بیاریم آمریکا... حالا هم برای ما زبون درآوردن.

هنوز هم دیر نشده! اسلحه که فت و فراوون ریخته... هر چی بخواین هست. پول ندارین بیاین از من بگیرین. کاری می‌کنیم که از رای دادن به حزب دموکرات یا پول دادن به من، برای چاپ آرای تقلبی پشیمون بشن. من که این پول را گرفتم جرمی مرتکب نشدم. اون‌هایی که دادن، باید تقاص پس بدن.

رئیس‌جمهوری شما تا بازگشت مسیح، منم! مسیح هم که اومد، قطعا به من رای می‌ده! پس بعد از اون هم باز من رئیس‌جمهوری شما هستم.

دونالد عزیز و دوست داشتنی شما



اخبار خارجه

افزایش مصرف مایعات، برای سیلاب تحریم ضد ایران

وزیر امور خارجهٔ دولت «جر زن» آمریکا، اعلام کرد: دولت متبوعش، به زودی سیلابی از تحریم را ضد ایران جاری خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به نقل از جان بولتون این خبر را مخابره می‌کند. مشاور امنیت ملی سابق دونالد ترامپ، از لجش، خبرهای پشت پردهٔ کاخ سفید را در اختیار خبرگزاری‌ها مفتی مفتی قرار می‌دهد.

این مقام سابق آمریکایی به خبرنگارمان گفت: "ببین! ترامپ به همهٔ مسیولان تحت امرش دستور داده تا می‌تونن مایعات بخورن. برایان هوک، یه کلمن، آب طالبی و آب لیمو آورده و هی می‌خوره. پمپئو که دائم‌الخمره، پاتیل پاتیل ویسکی می‌آره، هی می‌خوره، هی می‌خوره! ترامپ که قبلا ممنوع کرده بود، این مرتیکه ویسکی بخوره، چون مست می‌شد اسرار بالا و پایین کاخ سفید رو همه جا می‌گفت، حالا بهش گفته: اینقده بخور تا بترکی! کار به جایی رسیده که یک صف بلند جلوی دستشویی‌های کاخ سفید تشکیل شده..."

خبرنگار ما پرسید: چرا؟!

بولتون پاسخ داد: "چون فقط خود ترامپه که توالت اختصاصی داخل اتاقش داره و بقیه می‌باس برن توالت‌های عمومی کاخ سفید!"

خبرنگار ما گفت: "نه آی کیو! دارم می‌پرسم، برای چی اینقذه مایعات می‌خورن؟"

جان بولتون پاسخ داد: "واسه این که دیگه تحریمی ندارن که روی سر ایران هوار کنن و حالا که می‌باس سیل تحریم رو باید جاری کنن، راهی ندارن جز این که مایعات زیاد زیاد بخورن."

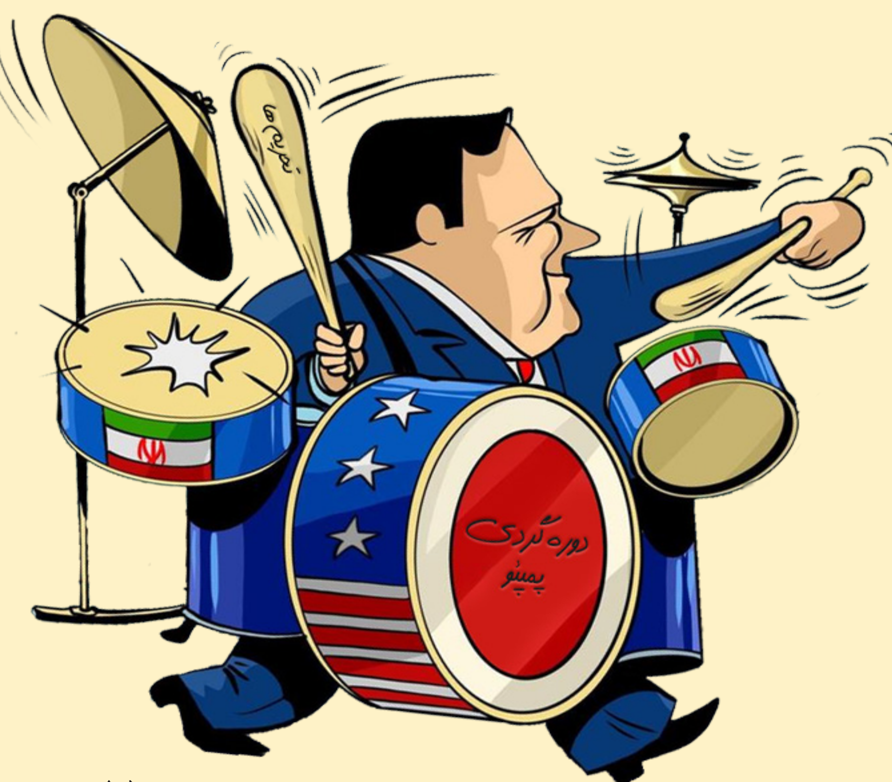
شایان گفتن است که جان بولتون این روزها، جلوی کاخ سفید دکه زده و اسرار کاخ سفید را افشا می‌کند و پول می‌گیرد. کتاب دیگری هم در دست نوشتن دارد، به نام «در اتاق خواب رئیس‌جمهوری اتفاق افتاد!»

طالبان: انفجار کابل، زیر سر گروه‌های یخته تندروتر از ما بوده است.



گروه مسلح طالبان، ضمن خودداری از محکوم کردن انفجار کابل، تاکید کرد: این انفجار به هیچ وجه کار ما نبوده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، سخنگوی این گروه تاکید کرد: " امی اینفجار را ما انجام نداده‌ایم و کار داعش افغانستان است که قبلا جزو بود، اما چون شتاب موتور ما به اندازهٔ دلخواهشان نبود، رفتند گروه دیگری تشکیل دادند."



او در پاسخ به پرسش خبرنگار ما دربارهٔ این که طالبان چند تا کپی دیگر دارد، گفت: " کپی که زیاد داریم. یکی که خود ما هستیم. دیگر از جنگ و جدال خسته شدیم و می‌خواهیم به گوشهٔ مدرسهٔ علمیه بازگردیم و تعالیم سلف صالح را یاد جوان‌ترها بدهیم. یک کپی دیگر، معتقد به جهاد عینی هستند، اما اعتقاد به مذاکره هم دارند که در مذاکرات اخیر، این‌ها با توافق ما و امیرکایی‌ها موافقت نکردند و مذاکراتشان با امیرکا ادامه دارد. پیشرفت‌هایی هم کردند. یک گروه دیگر هم داریم که این‌ها معتقدند باید جهاد را تا زمان تشکیل حکومت سلف صالح ادامه داد، اما اگر زور پر زور شد، باید تا وقتی که دوباره قوی شد، مذاکره و صلح کرد و بعدا دوباره شروع کرد. یک گروه دیگر هم عقیده دارند تا ابد باید مبارزه کرد. حالا این گروه‌ها هر کدامشان چهار پنج تا برداشت دیگر دارند. آن چار پنج تا که با هم بیست تایی هستند هم هر کدامشان ده بیست برداشت دیگر دارند... بگم!؟"

خبرنگار ما تاکید کرد: نه جون ننه‌ات، همون کلیات برای ما کافی است.

دادگاه: سارکوزی قرمساق است!

دادگاه عالی فرانسه اعلام کرد: شواهد به دست آمده، از روابط سارکوزی رئیس جمهوری پیشین فرانسه با معمر قذافی دیکتاتور پیشکی لیبی، دال بر قرمساقی سارکوزی است.



به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، شواهد موجود نشان می‌دهد اگر پولی که قذافی به حلق سارکوزی ریخت، نبود، این آقا خواب ریاست جمهوری فرانسه را هم نمی‌توانست ببیند؛ اما همان پول سبب شد که قذافی بدبخت سقوط کند.

طبق این شواهد، قذافی بس که خر بود، در جریان سفر سارکوزی به لیبی، خشت‌های طلا و انبان‌های پر از ارزهای مختلف خصوصا دلار را که در کمد بزرگش جاسازی کرده بود، به این نالوطی نشان داد. بعد هم بخشی از آن را به سارکوزی داد تا برود و حالش را ببرد که منجر شد به ریاست جمهوری رئیس جمهوری فرانسه! اما تا به قدرت رسید، هزار تا بازی در آورد تا قذافی سقوط کند و تا خشت آخر طلایش را بالا کشید. آیا این قرمساقی هست یا نیست؟

کلیهٔ قضات متفق القول پذیرفتند که نه فقط سارکوزی، بلکه جد و آبادش هم قرمساق بوده و هستند.

جانسون: برای خروج از اتحادیه، بأی نحو کان، ولو با تیپایی آماده‌ایم!

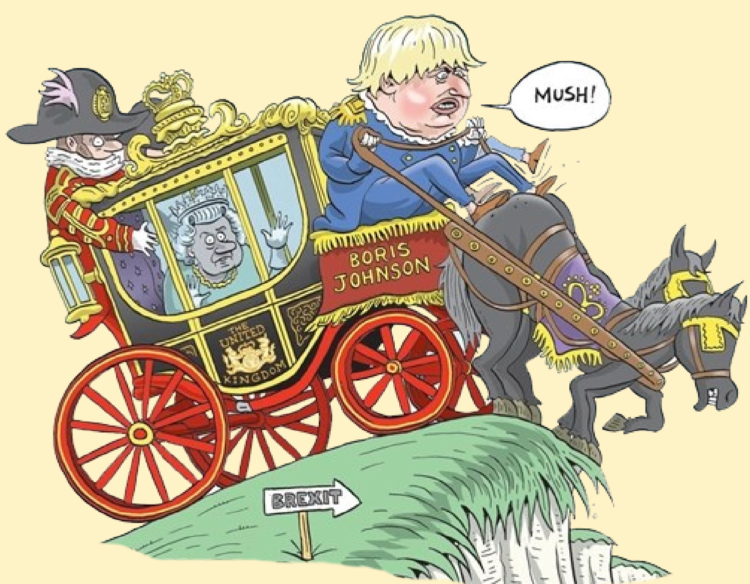
نخست وزیر انگلستان تاکید کرد: برای هرگونه خروج از اتحادیهٔ اروپا آمادگی کامل دارد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او خاطر نشان کرد: "اتحادیهٔ اروپا، به ما تاکید کرده است که نه چیزی دارد و نه اگر داشت حاضر بود که به ما بسلفد! ما هم جواب دادیم، ما در هر صورت بیرون می‌رویم. در نهایت، به گزینهٔ خروج بأی نحو کان، ولو با تیپایی رسیده‌ایم و در این باره، مذاکره می‌کنیم."

خبرنگار ما پرسید: " اگر همان تیپایی هم گیرتان نیامد چه!؟"

جانسون تاکید کرد: "من فکر نمی‌کنم که اتحادیهٔ اروپا با تیپایی مشکلی داشته باشد، اما باز هم گزینهٔ بی را برای خودمان حفظ کرده‌ایم که حتی به یک پس گردنی هم قناعت کنیم."

او در پایان، با صدای بغض آلودی گفت: "اگر بار گران بودیم، رفتیم! اگر نامهربان بودیم، رفتیم..!"



نشانی‌های خبرگزاری ما روی اینترنت:

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MOLLANASRODDIN SATIRE NEWS AGANCY

واقعیت خنده‌دار است!

www.mollanasroddin-magazine.ir

http://msn-agancy.ir

http://mollanasroddin-satire-news-agancy.ir

Freedom of stupidity

Sohaili Esfahani

MollaNasroddin Satire Magazine 24

